

قضیه سم‌پاشی هوایی (اکوادور علیه کلمبیا) تریل اسملتر قرن بیست‌ویکم؟

بابک وثوقی فرد*

چکیده

دعوی اکوادور علیه کلمبیا معروف به قضیه سم‌پاشی هوایی که در ۳۱ مارس ۲۰۰۸ تحت رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت، مستعد طرح نکات و مسائلی است که از بُعد زیست‌محیطی خصوصاً در حوزه آلودگی‌های مرزگذر قابل بررسی است به‌نحوی که برخی محققین بدان لقب *تریل اسملتر قرن بیست‌ویکم* داده‌اند.^(۱) قضیه تریل اسملتر^(۲) (دعوی میان ایالات متحده آمریکا و کانادا) نزد علاقه‌مندان مباحث حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، موضوع ناشناخته‌ای نیست. در باب شهرت و آوازه قضیه مذکور، همین بس که به گفته پرو تیلور^(۳) می‌توان آن را «ضرب‌المثل»^(۴) حقوق بین‌الملل محیط‌زیست دانست.^(۵) بی‌شک مهم‌ترین و ارزنده‌ترین ره‌آورد رأی داوری تریل اسملتر را باید در اصل «استفاده غیر زبان‌بار از سرزمین»^(۶) خلاصه کرد.

Vossoghi.fard@yahoo.com

* نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

1. R. Esposito, "The ICJ and the Future of Transboundary Harm Disputes: A Preliminary Analysis of the Case Concerning Aerial Herbicide Spraying (*Ecuador v. Colombia*)", *Pace International Law Review Online Companion* [vol. 2: 1 2010], 8 — 1 — 2010, <http://digitalcommons.pace.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1014&context=pilronline&sei>

2. *Trail Smelter case*

3. Prue Taylor

4. L. Loucaides, "Environmental Protection Through the Jurisprudence of the European Convention on Human Rights", 75 *British Yearbook of International Law, Oxford Journal*, p. 88, 2004.

5. P. Taylor, "An Ecological Approach to International Law Responding to Challenges of Climate Change", Routledge, 1998, p. 65.

6. *Sic Utere Tuo Ut Alienum Non*

اینکه قضیه سم‌پاشی هوایی تا چه حد ظرفیت توسعه و تبیین جایگاه اصل مذکور در نظام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را دارد، ضمن پرهیز از هرگونه پیش‌داوری - قبل از صدور رأی و تصمیم نهایی دیوان بین‌المللی دادگستری - نیازمند مذاقه و بررسی بیشتری پیرامون سابقه قضایی و ادبیات حقوقی به‌جای‌مانده در این زمینه است و مقاله حاضر سعی می‌کند در این مسیر گامی بردارد.

واژگان کلیدی

قضیه تریل اسملتر، محیط‌زیست، استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، قضیه سم‌پاشی هوایی.

مقدمه

اگر در نیمه اول قرن بیستم، مسئله «آلودگی فرامرزی» در پرونده دآوری تریل اسملتر بین آمریکا و کانادا، در واقع تحت لوای «اصل مسئولیت بین‌المللی» و در چارچوب اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» به‌عنوان یک موضوع فرعی و جانبی مورد حکم قرار گرفت، در نیمه دوم همین قرن نیز در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۷۴ (دعوی استرالیا علیه فرانسه و زلاندنو علیه فرانسه) یا در پرونده پروژه گابچی‌کوکو - ناگیماروس (دعوی مجارستان علیه اسلواکی) به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی، مرکز ثقل جریان دادرسی را تشکیل می‌داد. بنابراین در سال ۱۹۹۶، در پنجاهمین سالگرد تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری، هرچند فیتز موریس طی مقاله‌ای، چشم‌انداز مثبت مسائل مربوط به حمایت از محیط‌زیست را نسبت به سایر مسائل مطروحه نزد دیوان، چندان مثبت ارزیابی نمی‌کند و کمتر از دیگر موارد می‌داند، هم‌زمان به استقبال ظهور فرصت‌های تازه برای دیوان جهت اظهارنظر پیرامون چند موضوع زیست‌محیطی می‌رود.^(۷)

بعد از یک دهه و اندی از اظهارنظر فیتز موریس، دیوان بین‌المللی دادگستری فرصت پیدا کرده است تا برخی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را از رهگذر سه قضیه ترافی تبیین نماید. اولین آن‌ها در ششم می ۲۰۰۶، در رابطه با تأسیس دو کارخانه خمیر کاغذ در حاشیه ساحل رودخانه اورگوئه مقابل شهر آرژانتینی گویله گویچو (پرونده کارخانه‌های کاغذ) بین آرژانتین و اروگوئه مطرح شد. دیوان در این قضیه وارد تخصصی‌ترین مسائل زیست‌محیطی شد. دومین پرونده در اول آوریل ۲۰۰۸ راجع به سم‌پاشی هوایی توسط کلمبیا در مناطق نزدیک و حد فاصل مرز اکوادور-کلمبیا از سوی اکوادور مطرح شد.^(۸) در این دعوا اکوادور مدعی بود که عملیات سم‌پاشی منجر به ایجاد خسارات جدی به مردم، مزارع، حیوانات و منابع طبیعی در سمت مرز اکوادور شده است. قضیه برخی فعالیت‌های صورت گرفته توسط نیکاراگوئه در منطقه مرزی^(۹) (کاستاریکا علیه

7. M. Fitzmaurice, "Environmental Protection and the International Court of Justice", in V. Lowe and Fitzmaurice, M(eds), *Fifty Years of the International Court of Justice, Essays in Honour of Sir Robert Jennings*, Cambridge University Press, Cambridge, 1996, pp. 293, 315.

8. *Aerial Herbicide Spraying (Ecuador v. Colombia)*, Case Instituted on 1 April 2008.

9. *Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border (Costa Rica v. Nicaragua)*, Request for Indication

نیکاراگوئه) و دستور موقت مربوط به این پرونده در ۸ مارس ۲۰۱۱، جدیدترین پرونده از این نوع است. راجع به قضیه دوم یعنی قضیه سمپاشی هوایی، باید اذعان داشت که هرچند تا زمان نگارش نوشتار حاضر، این پرونده هنوز نزد دیوان مفتوح به رسیدگی است، ظرفیت‌های زیست‌محیطی موجود در این پرونده — البته با فرض اثبات درستی ادعاهای اکوادور — در دل آن دسته از پژوهشگرانی که رویه قضایی دیوان در حوزه آلودگی‌های فرامرزی را رصد می‌کنند، خصوصاً در زمینه تبیین هرچه بیشتر ماهیت و جایگاه اصل «استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین»، آن هم در عرصه‌هایی که در آن‌ها احتمال تلاقی منافع حیاتی در گستره جهانی نیز می‌رود، بارقه‌های امید را برافروخته است.^(۱۰)

۱. قضیه تریل اسملتر، دعوای ایالات متحده آمریکا علیه کانادا (۱۹۴۱)

مستفاد از میراث مکتوب پیشینیان و مؤخرین، قضیه تریل اسملتر در میان آرا و پرونده‌های مرتبط با مسائل زیست‌محیطی، علاوه بر اینکه در ارتقای جایگاه رویه قضایی در حوزه مسائل زیست‌محیطی نقش بسزایی ایفا کرده، منشأ آثار و تحولات عمیقی در زمینه توسعه و تدوین قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز شده است. در واقع می‌توان قضیه تریل اسملتر را مظهر پیدایش حقوق بین‌الملل مرتبط با موضوعات زیست‌محیطی، البته از طریق توسعه اصول کلی حقوقی و نه تدوین قواعد زیست‌محیطی دانست.^(۱۱) این قضیه نشانگر عبور از حقوق بین‌الملل عام مبتنی بر جبران خسارات وارده، به سمت شکل‌گیری قواعد خاص مربوط به حمایت از محیط‌زیست و همکاری بین دولت‌های ذی‌نفع است.^(۱۲) گزارشگر انجمن حقوق بین‌الملل در گزارش خود به کمیته ابعاد حقوقی محیط‌زیست، از بررسی‌های صورت‌گرفته نتیجه می‌گیرد که رفتار دولت‌ها ریشه در قاعده بنیادین مطروحه در قضیه تریل اسملتر دارد.^(۱۳)

of Provisional Measures, Summary of the Order of 8 March 2011. www.icj-cij.org

10. J. E. Vinuales, "The Contribution of the International Court of Justice to the Development of International Environmental Law: A Contemporary Assessment", 32 *FORDHAM INT'L L. J.* 232 (2008). p. 245; Esposito, Robert, "The ICJ and the Future of Transboundary Harm Disputes: A Preliminary Analysis of the Case Concerning *Aerial Herbicide Spraying (Ecuador v. Colombia)*", *Pace International Law Review Online Companion* [vol. 2: 1 2010], 8 - 1 - 2010 . p. 28.

11. K. L. Caldwell, "Concepts in Development of International Environmental Policies", (1973) 13 *NatResJ*, pp. 190, 190.

12. A. Kiss, Ch. et Beurier, J. P. (2004), "Droit international de l'environnement", Paris: Pedone, 503, in Taylor, op. cit., p. 65.

به نقل از: رضانی قوام‌آبادی، محمد حسین، **نگاهی به اصل استفاده غیر زیان‌بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**، علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۶۴.

13. International Law Association, *Report of the Committee on Legal Aspects of the Environment*, 60th Conference Report, 157 at 163.

داوری *تریل اسملتر* حجم انبوهی از نظرات و اقوال متخصصین حقوق محیط‌زیست را به خود معطوف داشته است.^(۱۴) محتوا و مفاد رأی داوری، به کرات در لوایح اصحاب دعوا و همچنین آرای محاکم مربوطه مورد استناد قرار گرفته است. قاضی کاسترو در قضیه *آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۷۴)*،^(۱۵) قاضی *ویراماتری* در دو قضیه *آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۹۵)*^(۱۶) و *پروژه سد گابچیکوو - ناگیماروس (۱۹۹۷)*، به قضیه داوری *تریل اسملتر* اشاره نموده‌اند. در رویه دولت‌ها نیز در جریان اختلافاتی که به مرحله دادخواهی نرسیده است، گاهی استناد به قضیه مذکور دیده می‌شود.^(۱۷)

ارجاعات مکرر به قضیه مذکور به‌حدی است که حتی موجب این برداشت نادرست شده که مسائل آلودگی‌های مرزگذر اساساً از طریق روش‌های حل‌وفصل بین‌الدولی مرتفع می‌گردد.^(۱۸) بر همین اساس به نظر برخی از محققین، گرایش‌های افراطی در اهمیت قضیه مذکور، باعث تأکید زیاد بر توان نمادین تصمیمات محاکم بین‌المللی در زمینه‌های زیست‌محیطی شده است.^(۱۹) به‌زعم اینان، اصولاً این تصمیمات به‌تنهایی قادر به توسعه عمده در حقوق نیست ولی حداقل کاری که انجام می‌دهند آن است که بر آرا و ایده‌هایی که مبنای تصمیمات آتی و رویه دولت‌ها قرار می‌گیرند، تأثیر می‌گذارند.^(۲۰)

این دسته از پژوهشگران، قضیه *تریل اسملتر* را از جمله تصمیماتی می‌دانند که دارای خصوصیات این‌چنینی است. امروزه بر اساس رویه‌ای که در این قضیه شکل گرفته با وجود محدودیت‌های خاص خود، می‌توان طیف وسیعی از مسائل زیست‌محیطی مرتبط با اختلافات ناشی از آلودگی را تحت رسیدگی قرار داد.^(۲۱)

۱-۱. سابقه و گردش کار

منشأ قضیه، به فعالیت یک کارخانه ذوب فلزات - روی و سرب - در ایالت بریتانیایی *کلمبیا* نزدیک شهر *تریل*^(۲۲) در هفت مایلی مرز ایالات متحده آمریکا با کانادا بازمی‌گردد. کارخانه مذکور ابتدا تحت تملک اتباع آمریکایی بود که به‌دنبال شکایت کشاورزان از خسارات وارده به کشت و زرعشان، فعالیت‌اش توسط محاکم داخلی آمریکا متوقف می‌گردد. در سال ۱۹۰۶ اتباع کانادا شرکتی تحت عنوان شرکت *مختلط معدن و ذوب* با مسئولیت

14. B. M. Rebecca and R. A. "Miller, *Transboundary Harm in International Law: Lessons From the Smelter Arbitration*", p. 132, (2006).

15. *Nuclear Tests case*, [1974] ICJ. Rep. 253, Dissenting Opinion of Judge de Castro, pp. 388 - 9.

16. *Nuclear Tests case*, [1995] ICJ Rep. 288, Dissenting Opinion of Judge Weeramantry, pp. 346 and 362.

17. به‌عنوان مثال: سال ۱۹۷۳ در جریان مسئله نشت نفت در نقطه چری (Cherry) در اظهارات وزیر خارجه کانادا به قضیه *تریل اسملتر* اشاره شده است. ن.ک:

E. Read and E. John., "The Trail Smelter Dispute" (1963), *Can. YBIL*, pp. 333, 334.

18. P. H. Sand, "Transnational Environmental Law: Lessons in Global Change" (1999) 45, p. 43.

19. T. Stephens, "International Courts and Environmental Protection", Cambridge University Press. 2009, p. 124.

20. *Ibid.*, p. 124.

21. *Ibid.*

22. Trail

محدود^(۲۳) مطابق قانون کانادا تشکیل داده، به ثبت رسانده و مالکیت کارخانه *تریل اسملتر* را از صاحبان آمریکایی آن خریداری می‌کنند. ناگفته نماند که از آن تاریخ به بعد کارخانه مذکور به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعت ذوب فلز روی و سرب درآمد و همچنین به‌عنوان عامل رشد اقتصادی منطقه شناخته می‌شود.^(۲۴)

فعالیت کارخانه طی همان سال‌ها، که اتفاقاً بازار روی و سرب هم از رونق خاصی برخوردار بوده، به‌علت پخش مواد آلاینده در هوا، از جمله خاکستر سرب و سایر ترکیبات مواد آلی و سولفور، محیط اطراف کارخانه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌نحوی که در سال ۱۹۱۶ حجم انتشار سولفور به مرز ۱۶۰ تن در روز و در سال ۱۹۳۰ بالغ بر ۳۰۰ تا ۳۵۰ تن در روز می‌رسد.^(۲۵) به‌لحاظ وجود دو ترکیب دی‌اکسید سولفور و اسید سولفوریک در هوا و مسمومیت بافت‌های گیاهی و کشاورزی، منطقه متحمل ضرر جدی و بالایی می‌گردد. به‌دنبال شکایت کشاورزان کانادایی، شرکت مختلط معدن و ذوب با مسئولیت محدود در مقام جبران خسارت برآمده و مبالغی را به آن‌ها پرداخت می‌کند. اما شرکت موصوف در رابطه با شکایت کشاورزان آمریکایی که اراضی‌شان در سمت جنوب خط مرزی واقع شده بود، خسارتی نمی‌پردازد. در سال ۱۹۲۵ به قصد بهبود اوضاع و جلوگیری از انتشار بیشتر سولفور، مسئولین شرکت، ارتفاع دودکش‌های کارخانه را افزایش می‌دهند.^(۲۶) این اقدام هرچند در بهبود وضعیت آلودگی سمت کانادا مؤثر واقع می‌شود، در عمل موجب افزایش و تمرکز بیشتر انتشار سولفور در سمت آمریکا می‌گردد. شهرهای نورث پورت^(۲۷) از ایالت/استونر^(۲۸) و *واشگتن* به همراه مزارع حومه، در معرض ابرهای سولفوری قرار می‌گیرند. کشاورزان آمریکایی این بار با جدیت بیشتری علیه شرکت مختلط معدن و ذوب، شکایت می‌کنند.^(۲۹) هرچند بخشی از شکایات مذکور حل‌وفصل می‌شود، نهایتاً شرکت یادشده از پرداخت غرامت سنگین خودداری می‌ورزد.^(۳۰)

به‌دنبال خودداری شرکت از جبران خسارت و از سوی سازمان‌دهی خوب ساکنین ایالت/استونر، کشاورزان آسیب‌دیده ترغیب می‌شوند که طی عرض‌حالی خواستار آن شوند که دولت ایالات متحده، خود به‌طور مستقیم موضوع را علیه کانادا پیگیری کند. در نهایت پس از کش‌وقوس‌های فراوان و مخالفت آمریکا با نظر کمیسیون مشترک بین‌المللی،^(۳۱) موجبات انعقاد موافقت‌نامه ارجاع به داوری ۱۹۳۵ فراهم می‌گردد.

23. Consolidated Mining and Smelting Company Ltd.

24. H. D. Dinwoodie, "The Politics of International Pollution Control: The Trail Smelter Case" (1971-2) 27 *International Journal*, p. 219.

25. *Trail Smelter case* (1938 and 1941) 3 *RIAA* 1911, 1917.

26. Dinwoodie, op. cit., p. 219.

27. *Northport*

28. *Stevens*

29. Dinwoodie, op. cit., p. 219.

30. *Trail Smelter case*, op. cit., 3 *RIAA* 1911, 1917.

31. International Joint Commission (IJC)

کمیسیون مشترک بین‌المللی به‌موجب معاهده آب‌های مرزی و مسائل ناشی از آن در سال ۱۹۰۹ میان کانادا و آمریکا ایجاد شد و در سال ۱۹۲۸ موضوع خسارت ناشی از فعالیت *تریل اسملتر* به کمیسیون مذکور ارجاع گردید که با وجود تعیین مبلغ ۳۵۰,۰۰۰ دلار خسارت برای آمریکا، با مخالفت آمریکا مواجه شد.

به موجب ماده ۱ موافقت‌نامه داوری، کانادا مسئولیت خسارات مربوط به گذشته را- قبل از ۱۹۳۲- که در اثر فعالیت کارخانه تریل اسملتر متوجه ایالت *واشنگتن* آمریکا گردیده بود می‌پذیرد.^(۳۲) در خصوص خسارات بعد از آن تاریخ نیز، طبق ماده ۴ موافقت‌نامه از محکمه داوری خواسته می‌شود که قانون و رویه متداول ایالات متحده آمریکا و همچنین حقوق بین‌الملل و رویه بین‌المللی را نسبت به موضوع اعمال نماید که البته این ارجاع به قانون آمریکا، با توجه به اینکه قانون اخیر نسبت به قانون کانادا حمایت بیشتری از صنایع به‌عمل آورده بود، با استقبال کانادا مواجه شد.^(۳۳)

با توجه به همین نکته در ماده ۴ موافقت‌نامه است که برخی محققین پیشنهاد می‌دهند هرگونه ارزیابی از رأی خصوصاً از حیث ایجاد رویه و به عبارتی سابقه‌سازی، باید با در نظر گرفتن همین شرط «اعمال قانون مناسب»^(۳۴) که آشکارا محکمه داوری را ماورای اصول قابل اعمال در حقوق بین‌الملل عمومی قرار داده است، صورت گیرد.^(۳۵)

به موجب ماده ۳ موافقت‌نامه داوری، از محکمه داوری خواسته می‌شود که راجع به چهار مسئله اظهار نظر نماید. نخست آنکه آیا از اول ژانویه ۱۹۳۲ به بعد، خسارتی به واسطه فعالیت تریل اسملتر به ایالت *واشنگتن* آمریکا وارد شده است یا خیر؟ در صورت ورود خسارت، چه میزان غرامت باید پرداخت شود؟ دوم اینکه در صورت مثبت‌بودن پاسخ سؤال اول، آیا تریل اسملتر در آینده ملزم به خودداری از ورود خسارت به ایالت *واشنگتن* خواهد بود؟ اگر هست تا چه میزان؟ سوم اینکه در پرتو دو مسئله قبلی، چه اقدامات یا رژیم‌هایی باید پذیرفته یا توسط محکمه تعیین شود؟ و در آخر در صورتی که محکمه نسبت به دو مسئله قبلی، تصمیم یا تصمیماتی اتخاذ نمود، چه میزان خسارت و غرامت باید پرداخت شود؟

برای پاسخ‌گویی به مسائل فوق، محکمه داوری رأی خود را در دو مرحله صادر می‌نماید. در مرحله اول، در سال ۱۹۳۸ ضمن اظهار نظر راجع به سؤال اول یعنی آلودگی‌های مربوط به دوره زمانی ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۷، یک رژیم موقت کنترل انتشار آلودگی را نیز در جهت پاسخ‌گویی به سه مسئله باقی‌مانده تجویز می‌کند. در مرحله دوم (سال ۱۹۴۱) محکمه به بررسی و اظهار نظر پیرامون تعهد کانادا در مداومت از جلوگیری از انتشار دود کارخانه به خاک آمریکا می‌پردازد. در این مرحله، از دیوان داوری درخواست شده بود که رژیم‌هایی ابداع کند که آن‌ها را از عدم بروز خسارت‌ها در آینده، مطمئن سازد.

در رابطه با مسئله اول یعنی تعیین خسارت وارده به ایالت *واشنگتن* از اول ژانویه ۱۹۳۲، دیوان داوری، غالب ادعاهای آمریکا^(۳۶) را رد می‌کند. در جریان ارزیابی دلایل و ادعای آمریکا، دیوان ابتدا مرور کاملی از وضعیت

۳۲. بر همین اساس کانادا پذیرفت که مبلغ ۳۵۰,۰۰۰ دلار به‌عنوان کل خساراتی که تا قبل از ۱۹۳۲ به ساکنین سرزمین آمریکا وارد شده است بپردازد.

33. J. E. Read, "The Trail Smelter Dispute" (1963) 1 *Can. YBIL*. p. 227.

34. Proper law clause

35. G. Handl, "Territorial Sovereignty and the Problem of Transnational Pollution" (1975) 69 *AJIL*, pp. 50, 60.

۳۶. آمریکا مدعی ورود خسارت به میزان ۲۱۰,۰۰۱,۱۱۷ دلار آمریکا شده بود. رقم مذکور، حاصل جمع هفت دسته خسارت بود که طبق محاسبات آمریکا در نتیجه فعالیت کارخانه تریل اسملتر به این کشور وارد شده است. از جمله: زمین‌های پاک‌سازی‌شده و پاک‌سازی‌نشده، اموال موجود در شهر نورث پورت، ۳۵۰,۰۰۰ دلاری که توسط کمیسیون مشترک تا تاریخ ۱۹۳۲ تعیین شده بود، نقض

زمین‌شناسی و شرایط آب و هوایی دره را واقع در ضلع جنوبی کارخانه، که رودخانه کلمبیا در آن جریان دارد، به عمل می‌آورد.

محکمه داوری در رابطه با زمین‌های «آمایش‌شده»^(۳۷) برای کشت غلات، از آنجا که شواهدی مبنی بر ورود خسارت در اثر دود گوگرد از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۶ وجود داشت، حکم به جبران خسارت به لحاظ کاهش ارزش زمین‌های مذکور می‌دهد.^(۳۸) در رابطه با زمین‌های دارای کاربری مرتع و جنگل نیز هرچند محکمه داوری دلایل کمتری در رابطه با مراتع در اختیار داشت، نهایتاً به این نتیجه رسید که دی‌اکسید سولفید موجب کاهش حاصل‌خیزی درختان منطقه شده است.^(۳۹)

نکته در خور تأمل اینکه محکمه داوری با توجه به تأکید و تمرکز طرفین دعوا بر ابعاد اقتصادی موضوع تا جوانب زیست محیطی، راجع به جبران خسارت وارده به درختان الواری موجود در نقاط دور از دسترس (که در صنایع چوب قابل بهره‌برداری نبودند)، هیچ‌گونه اظهارنظری نمی‌نماید.^(۴۰)

محکمه داوری در مرحله اول رسیدگی، نهایتاً کانادا را به دلیل ضررهای قابل جبران طی سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۶ به درختان الواری، مراتع و زمین‌های آماده کشت، در مجموع به پرداخت ۷۸,۰۰۰ دلار محکوم می‌نماید. با این احتساب در این مرحله از رسیدگی، بقیه موارد ادعا شده از سوی آمریکا، از جمله مسئله ورود پس‌ماند کارخانه به رودخانه کلمبیا - تنها موردی که به‌طور خالص، لطمه به محیط‌زیست محسوب می‌شد - از سوی محکمه داوری رد شد.^(۴۱)

در مرحله دوم رسیدگی یا مرحله نهایی، محکمه بیشتر توان خود را صرف مسئله پیشگیری و اقداماتی نمود که کانادا می‌بایست جهت جلوگیری از ورود گردوغبار کارخانه به خاک آمریکا صورت دهد. در همین راستا، دیوان داوری ابتدا به تفسیر ماده ۳ موافقت‌نامه ارجاع به داوری پرداخت. تفسیر ماده مذکور، دیوان را به این نتیجه رساند که منظور طرفین از هزینه‌ها، مخارجی است که مستقیماً مربوط به اقامه دعوا می‌شود، نه خساراتی که فعالیت کارخانه اسملتر مسبب آن است.^(۴۲)

محکمه داوری آن‌گاه به پاسخ سؤال دوم می‌پردازد یعنی اینکه آیا اساساً کارخانه تریل اسملتر موظف به خودداری از ایراد خسارات آتی به ایالت واشنگتن هست یا خیر و اگر هست تا چه میزان.

به‌عنوان یک مسئله اولیه برای دیوان آشکار است که از این حیث در هر دو حوزه حقوق بین‌الملل و حقوق

حاکمیت آمریکا و ... ن.ک:

Trail Smelter case (1938 and 1941) 3 *RIAA* 1911, 1940.

37. Cleared land

38. *Trail Smelter case* (1938 and 1941) 3 *RIAA*, 1925.

39. *Ibid.*, 1928.

40. T. Stephens, *op. cit.*, p. 130.

41. P. Sands, "International Environmental Litigation and Its Future" (1999) 32 *URichLR* 1619, p. 1622.

42. *Trail Smelter case* (1938 and 1941) 3 *RIAA*, 1959.

داخلی، اصول یکسانی بر قضیه حاکم است و هر دو سیستم، رویکرد مشابهی اتخاذ نموده‌اند.^(۴۳) دیوان اعلام می‌دارد هر چند از نظرات و اظهارات متخصصین حقوق بین‌الملل در رابطه با وظیفه کلی هر دولت در احترام به خاک و سرزمین دولت‌های دیگر آگاهی دارد،^(۴۴) به نظر دیوان آنچه باید در این مرحله از رسیدگی حل شود، این مسئله است که اصولاً چه چیزی عمل زیان‌بار محسوب می‌شود؟^(۴۵) دیوان ضمن اذعان به اینکه در رابطه با آلودگی‌های هوایی مرزگذر، هیچ‌گونه سابقه قضایی بین‌المللی وجود ندارد، به آرای دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا استناد می‌کند که شبیه قضیه حاضر در ارتباط با آلودگی مرزگذر میان ایالت‌های مختلف آمریکا صادر شده است.^(۴۶)

با در نظر گرفتن سوابق قضایی مذکور و همچنین توسعه‌های علمی و فنی صورت‌گرفته در عرصه کنترل آلودگی‌های هوایی، دیوان به برجسته‌ترین یافته خود - از منظر نوشتار حاضر - نائل می‌شود و چنین ابراز می‌دارد: «به موجب حقوق بین‌الملل و همین‌طور حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا، مادام که انجام فعلی به واسطه ورود دود موجب خسارت در قلمرو کشور دیگر یا ایراد ضرر به اموال اشخاص مقیم در آن کشور گردد، به طوری که عواقب جدی در برداشته و وقوع آن مستند به دلایل روشن و متقن باشد، هیچ دولتی حق بهره‌برداری یا تجویز بهره‌برداری از قلمرو خود را برای انجام آن فعالیت نخواهد داشت».^(۴۷) دیوان با تطبیق اصل مذکور بر واقعیت‌های موجود در پرونده، به این نتیجه می‌رسد که کانادا طبق مقررات حقوق بین‌الملل به خاطر عملیات کارخانه تریل اسلمتر مسئول شناخته می‌شود و موظف است از انطباق عملیات آتی کارخانه با تعهداتی که توسط محکمه تعیین شده است، مطمئن شود.

۲-۱. اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین»

در آموزه‌های حقوقی، برجسته‌ترین محصول رأی داوری تریل اسلمتر، اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» خوانده شده است. مناسب است به اختصار، راجع به اصل مذکور و رویکرد رویه قضایی در اینجا اشاره‌ای بشود.

الف) مبانی اولیه

اینکه دولت‌ها نباید اجازه دهند که استفاده از سرزمین آن‌ها منتهی به ورود خسارت زیست‌محیطی به کشورهای دیگر شود، نتیجه منطقی توسعه مفهوم «حاکمیت» دولت است؛ فارغ از اینکه تحت تعابیر مختلفی از قبیل «حاکمیت نسبی در برابر حاکمیت مطلق» یا مفهوم اصل «حسن هم‌جواری» یا نظریه «سوءاستفاده از حق» بیان شود.^(۴۸) این ایده اساساً به عنوان عامل توازن، میان حقوق و منافع حاکمیتی دولت مولد آلودگی از یک‌سو، و

43. Ibid., 1963.

44. Ibid., 1963.

45. Ibid., 1963.

46. Ibid., 1963 - 4.

47. Ibid., 1965.

48. Stephens, op. cit., p. 122.

منافع دولت‌های تحت‌تأثیر آلودگی، از سوی دیگر عمل می‌کند. (۴۹)

این اصل، سنگ بنای توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و منشأ اصول ۲۱ و ۲ اعلامیه استکهلم و ریو است. این اصول بر حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان تأکید می‌کند ولی اعمال آن را تابع اصل مسئولیت اکولوژیک می‌داند که به نظر می‌تواند نوعی حاکمیت مشروط در این حوزه تلقی گردد. (۵۰) البته به اعتقاد برخی حقوق‌دانان، پایه‌های اصل بنیان‌گذاری شده در قضیه تریل اسملتر، خود بر روی اصل کلی‌تری به نام «اصل حسن هم‌جواری» استوار شده است. (۵۱) به تعبیر دیگر، نتیجه منطقی اصل حسن هم‌جواری، خواه‌ناخواه اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین است. ماده ۷۴ منشور ملل متحد بدون اینکه نامی از مسائل زیست‌محیطی ببرد مؤید اصل «حسن هم‌جواری» است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به سهم خود، اصل «حسن هم‌جواری» را در رأی قضیه کانال کرفو مورد عنایت قرار داده است. (۵۲)

دومین جزء اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو، معرف اصلی است که به‌موجب آن، دولت‌ها در اعمال حق حاکمیت دائم بر منابع طبیعی، مقید به یک سری محدودیت‌های زیست‌محیطی هستند. این اصل را در واقع می‌توان اقتباسی از یک اصل کلی مشترک در نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر دانست؛ در نظام حقوقی اسلام تحت عنوان قاعده لاضرر و در نظام حقوقی رومی - ژرمنی تحت عنوان *Sic Utere Tuo Ut Alienum Non* این اصل به نظام حقوق بین‌الملل راه یافته و پس از توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، با زبان تخصصی‌تری در شاخه حقوقی اخیر نیز وارد شده و دست‌برقضا نقش رویه‌قضایی در این اقتباس و ورود موضوعی، بسیار پررنگ بوده است. اصل کلی مشترک در نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر که در بالا بدان اشاره شد، بیانگر این مطلب است که «اموال شخصی انسان نباید به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که سبب ضرر و زیان شخص دیگری گردد». (۵۳)

در حقوق بین‌الملل عمومی به تناسب موضوع و تابعان، منظور از اصل *Sic Utere* آن است که یک دولت وظیفه جلوگیری از اعمالی را بر عهده دارد که سبب آسیب و خسارت به اشخاص یا اموال در قلمرو کشوری دیگر می‌گردد. (۵۴) در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز به اقتضای موضوع و هدف این شاخه از حقوق، دامنه اصل، محدود به خسارت زیست‌محیطی شده است.

«اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» در حقوق بین‌الملل از مقام و منزلت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. طرح این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود؛ دوم اینکه این اصل به سبب رابطه‌ای که با سایر اصول حقوق بین‌الملل دارد موجب تحکیم و تقویت روابط دوستانه مابین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل می‌شود و در نهایت این اصل به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کند». (۵۵)

49. R. Lefber, "Transboundary Environmental Interference and the Origin of Liability", (1996), p. 20.

۵۰. رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۶۵.

51. Sands, op. cit., p. 242.

52. *Corfu Channel case (UK v. Albania)* (1949), *I.C.J. Reports* 4, p. 22.

53. *Black's Law Dictionary*, p. 1320.

۵۴. تحقیقی از دانشگاه هاروارد، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، ترجمه سیدفضل‌الله موسوی، میزان ۱۳۸۸، ص ۵۱.

۵۵. رضانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۵۸.

در سال ۱۹۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ورود خود و صدور قطعنامه (۱۶/۱۶۲۹،^(۵۶) خصوصاً از حیث ابعاد زیست‌محیطی و مخاطب‌قراردادن مسئله بارش هسته‌ای، در توسعه این اصل بنیادین تأثیر بسزایی برجای می‌گذارد. قبل از برگزاری کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، مجمع عمومی در قطعنامه (۲۶/۲۸۴۹ مجدداً بر اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی و از سویی، عدم تسبیب خسارت به کشورهای دیگر تأکید می‌ورزد.

نشانه‌های پذیرش اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» را پیش از اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، در حقوق قراردادی و معاهدات مقدم نیز می‌توان یافت.^(۵۷) بعد از اعلامیه نیز اقبال عمومی و تأکید بر اصل مذکور در حقوق نرم^(۵۸) و معاهدات بین‌المللی^(۵۹) استمرار می‌یابد.

«اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در مقایسه با سایر اصول مندرج در دو اعلامیه استکهلم و ریو موقعیت برجسته‌ای دارد. این اصل واجد دو عنصر مهم است: اول اینکه همانند بسیاری از اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و اسناد بین‌المللی مربوط به حمایت از حقوق بشر، بر حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان تأکید می‌کند و با اشاره به سیاست‌های زیست‌محیطی در این اصل، بدان رنگ زیست‌محیطی می‌دهد و محرکی برای انجام اقدامات حفاظتی از طرف دولت‌ها در این خصوص محسوب می‌شود و عنصر دوم این است که دولت‌ها تنها در مقابل اقدامات خود مسئول نیستند بلکه در برابر اقدامات اشخاصی که اعم از خصوصی یا عمومی تحت کنترل و نظارت آن‌ها هستند نیز مسئول‌اند. این اصل، بین حق دولت‌ها بر توسعه و تکلیف آن‌ها در پرهیز از ورود خسارت به محیط‌زیست در ورای قلمرو ملی آن‌ها تعادل ایجاد می‌کند.»^(۶۰)

البته برخی حقوق‌دانان برای اصل مذکور ارزش چندانی قائل نشده‌اند. به اعتقاد ایشان «اصل *Sic Utere* صرفاً لفاظی و سخن‌پردازی است. در جایی ممکن است قانون به یک شخص اجازه دهد تا به اموال شخص دیگری آسیب برساند و در جایی دیگر، قانون چنین اجازه‌ای را ندهد. بنابراین اصل مزبور هرگز قابل اعمال نیست مگر اینکه قانونی مشخص و معین گردد و در صورتی که قانونی تعیین نگردد اصل مزبور یک امر بدیهی، زاید و

۵۶. قطعنامه (XVI) ۱۶۲۹ مقرر می‌دارد: «اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را در قبال اقداماتی که ممکن است پیامدهای زیان‌بار زیست‌محیطی در اثر بارش هسته‌ای برای نسل‌های حاضر یا آینده دولت‌های دیگر داشته باشد، مسئول می‌داند».

۵۷. به‌عنوان مثال، ن.ک: مقدمه کنوانسیون حمایت بین‌المللی از گیاهان مصوب ۱۹۵۱ که بر ضرورت جلوگیری از انتشار آفات و بیماری‌های گیاهان از طریق مرزهای ملی تأکید نموده است؛ بند (۱) ماده ۱ کنوانسیون منع آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۶۳ که آزمایش‌هایی را که منجر به آسیب‌های هسته‌ای به افرادی می‌شود که در خارج از قلمرو سرزمینی آن‌ها می‌باشند و در واقع در سرزمین دولت دیگری به‌سر می‌برند، منع نموده است؛ بند (۳) ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۷۲ میراث جهانی، دولت‌ها را از انجام اقدامات عمدی که ممکن است به آثار باستانی دولت دیگر آسیب برساند بازداشته است.

۵۸. به‌عنوان مثال، ن.ک: قطعنامه ۲۹۹۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ قطعنامه (XXVII) ۳۲۸۱ سال ۱۹۷۴ معروف به منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها؛ سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، هلسینکی ۱۹۷۵؛ اصل سوم از اصول طراحی شده برنامه ملل متحد (UNEP) ۱۹۷۸؛ بند ۲۱ منشور جهانی طبیعت.

۵۹. به‌عنوان مثال، ن.ک: ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیست‌محیطی (۱۹۹۲) و بند (۲) ماده ۱۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها، بند (۵) ماده ۳ کنوانسیون لیما ۱۹۸۱؛ ماده ۲۰ کنوانسیون آ. س. آن (ASEAN).

۶۰. رضوانی قوام‌آبادی، پیشین، ص ۶۰.

توضیح واضح‌تر خواهد بود».^(۶۱)

باید اعتراف کرد که این سخن شاید در حقوق داخلی قابل توجیه باشد اما در حوزه حقوق بین‌الملل که نظام قانونگذاری از قوام و انسجام لازم برخوردار نیست، چیزی از ارزش اصل یادشده نخواهد کاست.

ب) رویکرد روبه قضایی بین‌المللی

آموزه‌های حقوقی، متفق‌القول، آبشخور و خاستگاه اصل مذکور در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست راه، روبه‌قضایی دانسته و داوری قضیه معروف *تریل/اسلتر* را به‌عنوان نقطه عطف این حرکت اعلام کرده‌اند.

دیوان بین‌المللی دادگستری به کرات در آرای مختلف به موضوع اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» اشاره کرده است. در این راستا به تناسب موضوع، در تصمیمات ترافیعی و مشورتی خود به آرای داوری در این خصوص پرداخته و آن‌ها را مورد تأیید قرار داده است.

رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *کانال کرفو* بین آلبانی و انگلستان، اولین رأیی است که اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین راه، مذکور در رأی داوری *تریل/اسلتر*، مورد تأیید قرار داد. نکته مهمی که دیوان بین‌المللی دادگستری متذکر شد مربوط به تعهدات کشورهاست. دیوان در این رأی بر تعهدات مبتنی بر اصول کلی به‌خوبی شناخته‌شده‌ای همچون ملاحظات اولیه بشری در زمان صلح و جنگ، اصل آزادی ارتباطات دریایی و تعهد هر کشور مبنی بر عدم استفاده از سرزمین‌اش برای مقاصدی که در تضاد با حقوق سایر کشورها باشد، تأکید کرد.^(۶۲) دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه *آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۵* که مجدداً نیوزلند بر اساس اعلام شروع آزمایش‌های زیرزمینی فرانسه، نزد دیوان حاضر شده بود، علی‌رغم صدور قرار عدم استماع دعوا، در بخشی از قرار خود تلویحاً به این اصل اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد:

«بدون اینکه خدشه‌ای بر تعهدات دولت‌ها در زمینه احترام به محیط‌زیست طبیعی وارد شود، در قضیه حاضر نیز بر التزام هر دو دولت نیوزلند و فرانسه در این زمینه تأکید می‌شود».^(۶۳)

اما توجه جدی دیوان بین‌المللی دادگستری به اصل مذکور در واقع با نظریه مشورتی *مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)* به منصفه ظهور می‌رسد. دیوان با نظریه خود صراحتاً بر تعهد عمومی مندرج در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم تأکید می‌ورزد.

در بخشی از نظریه مشورتی ۱۹۹۶، دیوان چنین اعلام می‌دارد:

«... وجود تعهد عمومی دولت‌ها برای حصول اطمینان از اینکه اقدامات داخل در صلاحیت و کنترل آن‌ها، به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق فراسوی کنترل ملی احترام می‌گذارد، اکنون بخشی از مجموعه حقوق بین‌الملل در رابطه با محیط‌زیست است».^(۶۴)

۶۱. تحقیقی از دانشگاه هاروارد، پیشین، ص ۷۵.

62. *Corfu Channel case (UK v. Albania) (1949), I.C.J. Reports 4, p. 22.*

63. (1995) *ICJ Reports 288, para. 64.*

64. *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports, 1996(I), p. 241.*

یک سال بعد از نظریه مشورتی ۱۹۹۶، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پروژه گابچیکوو – ناگیماروس نیز مجدداً با ارجاع به نظریه مشورتی خود، همین تعابیر را به کار می‌برد.^(۶۵)

دیوان بین‌المللی دادگستری در قرار مورخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶ خود در پاسخ به تقاضای اقدامات موقت آرژانتین در قضیه کارخانه‌های کاغذ، هرچند در نهایت با درخواست آرژانتین موافقت نمی‌کند، در بخشی از قرار صادره، به مطالب مطروحه درخصوص جایگاه مهم محیط‌زیست و «اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین»، گریزی می‌زند و دقیقاً همان عبارات مذکور در دو پرونده قبلی – نظریه مشورتی ۱۹۹۶ و رأی قضیه پروژه گابچیکوو – ناگیماروس – را تکرار می‌کند.^(۶۶)

۲. قضیه سم‌پاشی هوایی، دعوی اکوادور علیه کلمبیا (۲۰۰۸)

۲-۱. سابقه و پیش‌درآمد

در ۳۱ مارس ۲۰۰۸، دولت اکوادور با تقدیم دادخواست خود علیه دولت کلمبیا، فصل‌نویسی را در سیر ارجاعات و رسیدگی به پرونده‌های زیست‌محیطی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری می‌گشاید.

ریشه اختلاف، در واقع به برنامه گسترده کلمبیا در سم‌پاشی هوایی مزارع کشت کوکا^(۶۷) در استان‌های جنوبی هم‌مرز با اکوادور باز می‌گردد. کشور کلمبیا که مدت‌های مدیدی است که با معضل رهبری جهانی کشت گیاه کوکا و تولید کوکائین دست‌به‌گریبان است، برای مبارزه با این واقعیت تلخ، راهبرد همه‌جانبه‌ای تدارک می‌بیند. از این‌رو از سال ۱۹۹۹ با کمک‌های مالی ایالات متحده آمریکا، برنامه‌ای تحت‌عنوان برنامه کلمبیا^(۶۸) با محوریت سم‌پاشی هوایی مزارع کوکا را – واقع در مرزهای جنوبی – هم‌جوار استان‌های کورچی^(۶۹) و اسمرابل^(۷۰) در کشور اکوادور در دستور کار خود قرار می‌دهد. لازم به توضیح اینکه طبق ادعای کلمبیا هدف اصلی برنامه کلمبیا در واقع قطع منبع مالی گروه شورشی فارک – ایپی^(۷۱) است که طی نیم‌قرن اخیر در جنگ با حکومت مرکزی کلمبیا، تجارت مواد مخدر، مهم‌ترین منبع درآمد آن را تشکیل می‌داده است.^(۷۲)

65. *Gabcikovo - Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia) Judgment, I.C.J. Reports, 1997, p. 77.*

66. *Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay)*, Request for the Indication of Provisional Measures 2006 I.C.J. 135 (July 12), available at: www.icj-cij.org, www.idocket/iau/iauoorders/iau-order Provisional measures_20060713.pdf, p. 72.

67. *Coca*

کوکا از گیاهان مخدری است که ماده مخدر کوکائین از آن تهیه می‌شود.

68. *Plan Colombia*

69. *Cordhi*

70. *Esmerabl*

71. *Fuerzas Armadas Revolucionarias de Colombia – Ejército del Pueblo* (better known by its acronym: FARC – EP)

72. http://arizonamun.org/wp/wp-content/uploads/2012/01/Colombia_Memorial_AZMUN_2012.pdf, p. 1.

کلمبیا ماده سمی گلیفست^(۷۳) را برای عملیات سم‌پاشی مزارع انتخاب کرده است. این ماده که خود به تنهایی برای انسان و موجودات زنده و محیط‌زیست، مضر و خطرناک است، در تماس با سطح و بافت گیاهان، ترکیب بسیار خطرناک‌تری بر جای می‌گذارد. بنا به ادعای کلمبیا راجع به ماده مذکور که با نام تجاری *رون‌داپ*^(۷۴) شناخته می‌شود، مدرک مسجلی دال بر زیان‌بار بودن آن برای سلامت انسان وجود ندارد و استفاده از آن در سطح جهان جهت سم‌پاشی‌هایی کشاورزی بسیار متداول است.^(۷۵) کلمبیا در تأیید ادعایش اضافه می‌نماید که: «طبق آمار سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا، تنها در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۱۸۰ میلیون پوند از ماده گلیفست برای سم‌پاشی زمین‌های کشاورزی استفاده شده است. بر اساس گزارش سازمان مذکور، این ماده دارای درجه مسمومیت خفیف و بدون عوارض سرطان‌زایی است.»^(۷۶)

ناگفته نماند که عملیات کلمبیا در مبارزه با بازار مواد مخدر، علی‌رغم داشتن اهداف خیر و بشردوستانه، از انتقاد شدید سازمان‌های بین‌المللی مصون نمانده است.^(۷۷) گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۰ این عملیات را کاملاً جنگ‌گرا و خالی از روحیه حقوق بشری معرفی می‌کند.^(۷۸) در سال ۲۰۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد مقرر می‌دارد که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌بایست دولت‌های ایالات متحده آمریکا و کلمبیا را به دنبال نکردن عملیات سم‌پاشی هوایی و جایگزین نمودن دیگر روش‌های ریشه‌کنی کشت کوکا ترغیب نماید.^(۷۹)

شروع عملیات سم‌پاشی در سال ۲۰۰۰، حجم انبوهی از شکایات و اعتراضات بومیان مناطق مرزی اکوادور را که تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ماده سمی فوق‌الذکر قرار می‌گرفتند به همراه داشت. گزارش‌های فراوانی از علائم بیماری‌های عفونی، بینایی و پوستی مردم منطقه به دست مسئولین اکوادوری رسید. در نهایت بی‌نتیجه‌ماندن تلاش‌های دیپلماتیک و کمیته علمی مشترک — طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ — منجر به طرح دعوی اکوادور علیه کلمبیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شد. اکوادور مبنای صلاحیت دیوان را ماده ۳۱ پیمان بوگوتا (مصوب ۳۰ آوریل ۱۹۴۸) که هر دو دولت عضو آن هستند و همچنین ماده ۳۲ کنوانسیون ملل متحد راجع به مبارزه با قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان (مصوب ۱۹۸۸)^(۸۰) اعلام می‌دارد. البته کلمبیا به استناد ماده ۴ پیمان بوگوتا مدعی است، تا زمانی که کمیسیون‌های علمی دوجانبه، نتایج قطعی مطالعاتشان را در خصوص آثار ماده شیمیایی گلیفست اعلام نمایند، مبنایی برای شروع رسیدگی دیوان وجود ندارد. ضمن اینکه با توجه به ماهیت مسئله مبارزه با تجارت مواد مخدر از نظر قانونی، سازمان بین‌المللی کشورهای آمریکایی، مرجع مناسب‌تری برای حل این اختلاف محسوب می‌شود.

73. *Glyphosate*

74. *Roundup*

75. <http://arizonamun.org/wp/wp-content/uploads/2012/01/Colombia-Memorial-AZMUN-2012.pdf>, p. 2.

76. *Ibid.*

77. WAMUNC Xiv, *Washington Area Model United Nations Conference*, March 22nd-25th, 2012. p. 6.

78. *Ibid.*, p. 6.

79. *Ibid.*

80. *United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances*, 1988.

اکوادور مدعی است، کلمبیا حقوق اکوادور را طبق حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی نقض نموده است. خسارات وارده و تهدیدات آتی و نتایج غیرقابل جبران آن، نشانه تخلف کلمبیا از انجام تعهد به پیشگیری و احتیاط است. بنابه ادعای اکوادور، سم‌پاشی هوایی کلمبیا در مناطق مرزی با اکوادور باعث بروز خسارت جدی به مردم، مزارع، حیوانات و محیط‌زیست طبیعی طرف مرز اکوادور می‌شود و خطرات زیادی در بلندمدت به همراه دارد.^(۸۱) اکوادور به واقعیت‌هایی که منطقه مرزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اشاره می‌کند:

«این منطقه، محل سکونت مردم بدوی، از جمله آو/ (۸۲) است که زندگی خود را طبق آداب سنتی که عمیقاً به محیط‌زیست طبیعی وابسته است، ادامه می‌دهند. اکثر مردم در فقر به سر می‌برند و متکی به کشت‌هایی سنتی از قبیل ذرت، قهوه و یوکا^(۸۳) برای ادامه حیات خود هستند. مضافاً این مردمان بومی از گیاه کوکا جهت مصارف دارویی و غذایی و گاه خلسه‌های روحانی استفاده می‌کنند. بنابراین ایشان ارتباط عمیقی با زمین دارند. زیرساخت‌های این مناطق توسعه‌نیافته، مراقبت‌های بهداشتی به‌صورت ابتدایی بوده و آموزش رسمی در سطح بسیار پایینی است.»^(۸۴)

دولت خواهان، جهت تنویر ذهن قضات دیوان و جانداختن اهمیت موضوع، آمار و ارقامی در خصوص موقعیت جهانی کشورش ارائه می‌کند:

«اکوادور یکی از ۱۷ کشوری است که در جهان توسط مرکز کنترل حفاظت جهانی برنامه محیط‌زیست ملل متحد به‌عنوان کشور بسیار متنوع تعیین شده است. باوجود اینکه خاک این کشور تنها ۱۷٪ درصد (هفده صدم درصد) از سطح زمین را به خود اختصاص داده است، از سهم بسیار بالایی از حیث تنوع زیستی برخوردار است. سم‌پاشی کلمبیا در یک منطقه آسیب‌پذیر و آن هم به شیوه‌ای درحال انجام است که خطرات محتمل برای مردم و محیط‌زیست طبیعی را شدیدتر می‌سازد.»^(۸۵)

اکوادور از دیوان می‌خواهد تا اعلام دارد که: «دولت کلمبیا، ۱- تعهدات خود را طبق حقوق بین‌الملل در نتیجه ایراد خسارت‌های مرزگذر نقض نموده است؛ ۲- نسبت به جبران خسارت‌هایی که در نتیجه اعمال غیرقانونی بین‌المللی خصوصاً مرگ یا آسیب جسمی افراد و همچنین آسیب‌های وارده به گیاهان، جانوران، محیط‌زیست و منابع طبیعی، به‌وجود آمده اقدام نماید؛ ۳- از عهده پرداخت هزینه‌های مربوط به نظارت و مراقبت از خطرات آتی که متوجه سلامت عمومی مردم منطقه می‌شود، برآید.»^(۸۶)

بر همین اساس خواستار آن می‌شود که کلمبیا را ملزم دارد به: «۱- احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی اکوادور؛ ۲- خودداری از استفاده از علف‌کش‌های سمی در سرزمینش، به نحوی که باعث نشت و نفوذ آن به سرزمین اکوادور شود؛ ۳- خودداری از اتخاذ روش انتشار هوایی چنین علف‌کش‌هایی در خاک اکوادور یا هر

81. *Application Instituting Proceedings (Ecuador v. Colom.)*, 2008 I.C.J. Pleadings 10 (Mar. 31, 2008), available at http://www.icj-cij.org/docket/_files/138/14474.pdf (last visited September 7, 2009).

82. *Awa*

83. *Yuca*

84. *Application Instituting Proceedings (Ecuador v. Colom.)*, op. cit., para. 13.

85. *Ibid.*, para. 15.

86. *Ibid.*, para. 38.

قسمت نزدیک به مرز دو طرف».^(۸۷)

البته کلمبیا در دادخواستش مخالفت خود را با اصل مسئله صادرات و مصرف مواد مخدر اعلام می‌دارد و تأکید می‌کند که آنچه وی بدان اعتراض دارد، در واقع روش و محل عملیات ریشه‌کنی گیاه کوکا است، نه مبارزه با قاچاق و استعمال مواد مخدر.^(۸۸)

شایان ذکر است که کلمبیا در توجیه عملیات سم‌پاشی خود به دو مبنای حقوقی استناد نموده است: ۱- ماده ۱۶ کنوانسیون ملل متحد راجع به مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ به‌عنوان اولین مستند قانونی.^(۸۹) ۲- مسئولیت حاکمیتی در قبال حمایت از شهروندان خود در برابر عملیات تروریستی گروهک شورشی فارک - ایپی.^(۹۰)

ضمن اینکه کلمبیا اساساً ادعای نقض حاکمیت سرزمینی اکوادور را رد کرده و مدعی است که هوایم‌هایش هیچ‌گاه از فضای هوایی کلمبیا خارج نشده‌اند و از نظر کلمبیا ادعای اکوادور بر اساس مشاهدات چشمی - که قابل اعتماد نیست - استوار گردیده است و مبتنی بر اطلاعات راداری یا ماهواره‌ای نیست.^(۹۱) علاوه بر این از نظر کلمبیا، ریشه‌کنی مواد مخدر جهت جلوگیری از بلایی بزرگ‌تر، یعنی تجارت غیرقانونی مواد مخدر، از ضروریات است. وی معتقد است در موقعیت حاضر، سم‌پاشی هوایی تنها روش قابل‌دسترس برای این ریشه‌کنی محسوب می‌شود.^(۹۲) از این گذشته منطقه مرزی تحت عملیات سم‌پاشی، منطقه‌ای کم‌سکنه بوده که به‌ندرت مورد کشت - محصولات مفید کشاورزی - قرار می‌گیرد. بنا به ادعای کلمبیا، محدوده مرزی میان اکوادور و کلمبیا منطقه‌ای با جنگل‌های متراکم و فاقد زیرساخت‌های اساسی است و از آنجا که تردد زمینی در این منطقه بسیار مشکل است، هرگونه برنامه ریشه‌کنی کشت مواد مخدر که متکی بر تحرکات زمینی باشد، نه تنها جان نیروهای مبارزه‌کننده را به خطر می‌اندازد بلکه تهدیدی علیه مردم منطقه نیز محسوب می‌شود.^(۹۳)

به‌زعم کلمبیا، هرگونه تصمیمی علیه کلمبیا در این قضیه، باعث بدعت‌گذاری و ایجاد سابقه بدی در حقوق بین‌الملل می‌شود؛ چرا که با توجه به استفاده انبوه از ماده آفت‌کش گلیفوسات در سراسر جهان، دیوان چطور می‌تواند این واقعیت را با حکم خود منطبق سازد؟ این ماده در میلیون‌ها جریب از زمین‌های کشاورزی که بخش‌های عمده‌ای از آن‌ها در مناطق مرزی قرار گرفته است، به‌طور هوایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و احتمال

87. *Report of the International Court of Justice, General Assembly Official Records Sixty-sixth Session Supplement*. no. 4, 1 August 2010 - 31 July 2011, p. 78, available at: <http://www.f.d.u.c.pt/igc/pdf/mne/varios/icj.pdf>

88. *Ibid.*, p. 78.

89. طبق ماده ۱۶ کنوانسیون مذکور، هریک از دول عضو موظف است به‌منظور جلوگیری از کشت و امحای گیاهان حاوی مواد مخدر و روان‌گردان از قبیل خشخاش، کوکا و شاهدانه که به‌طور غیرقانونی در سرزمین‌اش کشت شده است، اقدامات لازم را به‌عمل آورد.

90. <http://arizonamun.org/wp/wp-content/uploads/2012/01/Colombia - Memorial - AZMUN - 2012.pdf>, p. 3.

91. *Ibid.*

92. *Ibid.*

93. *Ibid.*

۲-۲. دستاوردهای احتمالی

با توضیحاتی که در طول این مطالعه از نظر گذشت، اگر قائل به این شویم که تعهد دولت‌ها به رعایت اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین»، مرکز ثقل و از سویی گام اول و سنگ بنای حمایت اصولی از محیط‌زیست را تشکیل می‌دهد، اغراق نکرده‌ایم. همچنین با ادعای این مطلب که بیشترین توجه رویه‌قضایی در این حوزه، معطوف به شناسایی یا به تعبیری بومی‌سازی و هضم محتوای اصل مذکور در نظام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شده است، متهم به مبالغه نمی‌شویم.

اما مهم‌ترین مسئله‌ای که در مقابل اصل مذکور خودنمایی می‌کند، موضوع جایگاه و موقعیت آن در نظام حقوق بین‌الملل است. بی‌گمان حقوق‌دانان بزرگی همچون پروفیسور وینوالس^(۹۵) یافت می‌شوند که نتیجه تحقیقات دقیق‌شان بر روی رویه‌قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری — از قضیه *کانال کرفو* تا قضیه پروژه گابچیکوو-ناگیماروس — آن‌ها را به سمت اتخاذ این داعیه سوق می‌دهد که اصل مذکور از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان یک قاعده عرفی شناسایی شده است.^(۹۶) فارغ از درست یا نادرست بودن داعیه یادشده، باید اذعان داشت که هنوز راجع به وضعیت حقوقی اصل مذکور میان اندیشمندان و فعالان حقوقی که در این عرصه کار می‌کنند، بحث‌های زیادی مطرح است.^(۹۷) به‌زعم برخی محققین، آنچه مسلم است تاکنون دیوان با صراحت راجع به این موضوع — عرفی شدن اصل *SIC UTERE* — در موارد پیشین اظهارنظری ننموده است.^(۹۸) ایشان در بخشی از نظراتشان با پروفیسور وینوالس هم‌عقیده و بر این باورند که موج سومی که رویه‌قضایی دیوان در زمینه حمایت از محیط‌زیست به راه انداخته است، یعنی موجی که با قضیه *کارخانه کاغذ* آغاز و با قضیه *سم‌پاشی*

94. Ibid.

95. *Vinuales*

96. *Vinuales*, op. cit., p. 43.

97. D. Bodansky, "Customary (and not so Customary) International Environmental Law", 3 *IND. J. GLOBAL LEGAL STUD.* 105 (1995); in Esposito. op. cit., p. 27.

راجع به دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه عرفی تلقی کردن اصل *sic utere*، به‌طور کلی صاحب‌نظران و نویسندگانی که در این‌باره موضع گرفته‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول کسانی هستند که نسبت به موضوع، نظر خوش‌بینانه داشته‌اند. مهم‌ترین این افراد و آثارشان عبارت‌اند از:

G. Handl, "Transboundary Impacts", in *The OXFORD HANDBOOK OF INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL LAW* 531, 533 - 43 (Daniel Bodansky, Jutta Brunée, & Ellen Hey eds., 2007).

دسته دوم کسانی هستند که به موضوع، تشکیک وارد نموده‌اند. برجسته‌ترین این افراد و آثارشان عبارت‌اند از:

K. J. Knox, "The Myth and Reality of Transboundary Environmental Impact Assessment", 96 *AM. J. INT'L L.* p. 291 (2002).

جهت اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Esposito, op.cit.

98. Ibid., p. 27.

هوایی (دعوی میان اکوادور و کلمبیا) هنوز ادامه دارد، این ظرفیت را دارد که موضع دیوان را در این زمینه به طور شفاف مشخص سازد.^(۹۹)

از نگاه تحلیل گرانی که تصمیمات و آرای دیوان در زمینه آلودگی های فرامرزی را رصد می کنند، یکی از مسائلی که به قضیه حاضر، نسبت به رویه قضایی دیوان و حتی مراجع قضایی دیگر، ویژگی منحصر به فردی می بخشد، مسئله مشارکت یا حداقل، معاونت ایالات متحده آمریکا در عملیات سم پاشی کلمبیا^(۱۰۰) و تبعاً احراز مسئولیت بین المللی دولت ثالث است. این نکته بدیع، فروضات و سناریوهای متنوعی را مقابل دیوان، ترسیم می نماید.^(۱۰۱)

اما نکته ای که از نگاه مقاله حاضر حائز اهمیت است و پژوهشگران آن را از جمله امتیازاتی دانسته اند که می توان برای قضیه سم پاشی هوایی قائل شد، این فرصت استثنایی است که به یمن تصویب طرح «منع خسارات مرز گذر در نتیجه فعالیت های زیان بار»^(۲۰۰۱) (۲۰۰۲) پس از سه دهه تلاش مستدام کمیسیون حقوق بین الملل، در اختیار دیوان بین المللی دادگستری قرار گرفته است. این دسته از محققین، چشم امید فراوانی به موقعیت ممتاز دیوان در جریان رسیدگی به این قضیه دوخته اند. باشد که دیوان از فرصتی که کمیسیون حقوق بین الملل در تصویب طرح مذکور در اختیارش نهاده، حداکثر استفاده را برای تعیین تکلیف و شناسایی قطعی اصل مذکور به عنوان یک قاعده عرفی ببرد.

به اعتقاد ایشان با عنایت به جایگاه و اعتباری که دیوان در رویه قضایی خود^(۱۰۳) برای کمیسیون حقوق بین الملل در اعلام قواعد جدید حقوق بین الملل عرفی قائل شده است و از سویی با توجه به مفاد طرح مذکور در ماده ۳ که مقرر می دارد:

«دولت منشأ خسارت باید کلیه اقدامات مناسب را برای جلوگیری از ایجاد خسارت فرامرزی عمده یا اتخاذ هر آنچه باعث کاهش خطرات آن می شود، به عمل آورد».^(۱۰۴)

99. Ibid.

۱۰۰. ایالات متحده آمریکا در چارچوب قانون «وضعیت های اضطراری تکمیلی» مصوب ۲۰۰۰، بودجه ای بالغ بر ۱/۱ میلیارد دلار جهت کمک به برنامه مبارزه با مواد مخدر کشورهای آمریکای لاتین اختصاص داده و بخش عمده ای از بودجه مذکور به دولت کلمبیا اعطا شده است. از جمله اختصاص ۲۹۴ میلیون دلار جهت نوسازی و تجهیز بالگردهای ارتش کلمبیا، ۱۵ میلیون دلار بابت اسکان و اشتغال بومیان منطقه که به خاطر سم پاشی مزارع، کار و کاشانه خود را از دست می دهند و همچنین سرویس های اطلاعات ماهواره ای جهت مکان یابی مزارع کشت. البته هدف و راهبرد اصلی آمریکا از این کمک ها در واقع بالابردن هزینه های تهیه و تولید ماده مخدر کوکائین و تبعاً کاهش تمایل شهروندان به مصرف مواد در نتیجه گرانی محصول است. جهت اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Esposito, op. cit., p. 10.

101. Ibid., p. 11.

102. Draft Articles on the Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities (2001).

۱۰۳. به عنوان مثال، ن.ک:

Gabčíkovo – Nagymaros Project (Hung. v. Slov.), 1997 I.C.J. 7, p. 41.

104. Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with commentary, in Report of the International Law Commission, Fifty-third Session, UN GAOR, 56th Sess., Supp. No. 10, UN DOC. A/56/10 (2001).

ملاحظه می‌شود محتوای اصل *Sic Utere* آشکارا در ماده ۳ و همچنین در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو و نیز در شرح مواد ۱ و ۳ طرح کمیسیون آمده است؛ در نتیجه دیوان از این فرصت برخوردار است که اصل بحث برانگیز «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» را به مرتبه یک قاعده عرفی ارتقا دهد.^(۱۰۵)

نتیجه

بدیهی است که تا زمان صدور رأی نهایی در قضیه *سم‌پاشی هوایی*، هرگونه اظهارنظر قطعی راجع به نتیجه رسیدگی دیوان و تأثیرات آن بر رویه قضایی خصوصاً از حیث تبیین جایگاه «اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» ممکن است شخص را در ورطه پیش‌گویی اندازد. اما در حال کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که این قضیه دیوان را از یک سو با وقایع چالش‌برانگیزی مواجه سازد^(۱۰۶) چرا که علاوه بر موضوع اصلی اختلاف - خسارت فرامرزی ناشی از سم‌پاشی هوایی - مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر و اهمیت عملیات ریشه‌کنی مزارع کشت مواد مخدر، نه تنها برای کلمبیا بلکه برای بسیاری از کشورهای جهان، باعث رویارویی دیوان با چالش رعایت سلسله‌مراتب بین قواعد متفاوت حقوق بین‌الملل خواهد شد.^(۱۰۷) کلمبیا ممکن است برای توجیه اقداماتش به وضعیت اضطرار استناد کند. با این زمینه دیوان به‌طور بالقوه جهت ارزیابی میان منافع اساسی اکوادور در زمینه طبیعت و محیط‌زیست، و از طرفی منافع اساسی کلمبیا و سایر کشورها - جامعه بین‌المللی - در مبارزه با مواد مخدر، مبنایی پیدا خواهد کرد.^(۱۰۸) از سوی دیگر برای دیوان، فرصت استثنایی تعیین محتوا و قابلیت اعمال یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یعنی اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، به یمن پیشرفت‌های صورت‌گرفته از جانب کمیسیون حقوق بین‌الملل، فراهم می‌آید.^(۱۰۹)

105. Esposito, op. cit., p. 32.

106. Vinuales, op. cit., p. 18.

۱۰۷. همان‌طور که اشاره شد مسئله مبارزه با قاچاق مواد مخدر و باندهای خلاف‌کار، یکی از اهداف عملیاتی نیکاراگوئه در منطقه مرزی خود با کاستاریکا است که از این حیث ممکن است دیوان بین‌المللی دادگستری را در معرض وزن‌کشی و تعیین سلسله‌مراتب میان قواعد ناظر بر حمایت از محیط‌زیست از یک سو و مسئله نظم و صلح بین‌المللی - از رهگذر مبارزه با جرائم سازمان‌یافته - از سوی دیگر، قرار دهد.

108. Vinuales, op. cit., p. 238.

109. Ibid., p. 18.

(۱) فارسی

- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، *نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶.
- *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تحقیقی از دانشگاه هاروارد، ترجمه سیدفضل‌الله موسوی، میزان، ۱۳۸۸.

(۲) لاتین

- Bodansky, D., "Customary (and not so Customary) International Environmental Law" 3 *IND. J. GLOBAL LEGAL STUD.* 105 (1995).
- Caldwell, K. L., "Concepts in Development of International Environmental Policies" (1973) 13 *NatResJ*, 190.
- Dinwoodie. D. H., "The Politics of International Pollution Control: The Trail Smelter Case" (1971 – 2) 27 *International Journal*.
- Esposito, R., "The ICJ and the Future of Transboundary Harm Disputes: A Preliminary Analysis of the Case Concerning Aerial Herbicide Spraying (*Ecuador v. Colombia*)", *Pace International Law Review Online Companion* [vol. 2: 1 2010], 8 — 1 — 2010, <http://digitalcommons.pace.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1014&context=pilronline> & sei
- Fitzmaurice, M., "Environmental Protection and the International Court of Justice", in LAW and E. V. Fitzmaurice, M. (eds), "*Fifty Years of the International Court of Justice*", Essays in Honour of Sir Robert Jennings, Cambridge University Press, Cambridge, 1996.
- Handl, G., "Territorial Sovereignty and the Problem of Transnational Pollution" (1975) 69 *AJIL*.
- Lefber, R., "*Transboundary Environmental Interference and the Origin of Liability*" (1996).
- Loucaides, L., "Environmental Protection Through the Jurisprudence of the European Convention on Human Rights", *British Yearbook of International Law, Oxford Journal*, 2004.
- Bratspies, R. M., and Miller, R. A., "*Transboundary Harm in International Law: Lessons from the Smelter Arbitration*", (2006).
- Read, J. E. "The Trail Smelter Dispute" (1963) 1 *Can. YBIL*.

- Sand, H. P., “*Transnational Environmental Law: Lessons in Global Change*”, (1999) 45.
- Sands, Ph., “International Environmental Litigation and Its Future,” (1999) 32 *URichLR*.
- Stephens, T., “*International Courts and Environmental Protection*”, Cambridge University Press, 2009.
- Taylor, P., “*An Ecological Approach to International Law Responding to Challenges of Climate Change*”, Routledge, 1998.
- Viñuales, J. E., “The Contribution of the International Court of Justice to the Development of International Environmental Law: A Contemporary Assessment”, 32 *FORDHAM INT’LL. J.* 232 (2008).

۳ پرونده‌ها

- *Aerial Herbicide Spraying (Ecuador v. Colombia)*, Case Instituted on 1 April 2008.
- *Application Instituting Proceedings (Ecuador v. Colom.)*, 2008 I.C.J. Pleadings 10 (Mar. 31, 2008), available at: http://www.icj__cij.org/docket/_files/138/14474.pdf (last visited September 7, 2009).
- *Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border (Costa Rica v. Nicaragua)*, Request for Indication of Provisional Measures, Summary of the Order of 8 March 2011. www.icj__cij.org
- *Corfu Channel case (UK v. Albania)* (1949), I.C.J. Reports 4 at 22.
- *Gabcikovo _ Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)* Judgment, I.C.J. Reports 1997.
- *Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996 (I).
- *Nuclear Tests case*, [1974] *ICJ. Rep* 253, *Dissenting Opinion of Judge De Castro*.
- *Nuclear Tests case*, [1995] *ICJ Rep* 288, *Dissenting Opinion of Judge Weeramantry*.
- *Pulp Mills on the River Uruguay, (Argentina v. Uruguay)*, Request for the Indication of Provisional Measures 2006 I.C.J. 135 (July12) available at: http://www/icjcij.org/icgwww/idocket/iau/iau_orders/iau_order_Pronisional_measures_20060713.pdf
- *Trail Smelter case* (1938 and 1941), 3 RIAA, 1925.

۴ سایتهای اینترنتی

- http://arizonamun.org/wp/wp__content/uploads/2012/01/Colombia__Memorial__AZMUN__2012.pdf.
- <http://www.fd.uc.pt/igc/pdf/mne/varios/icj.pdf>.